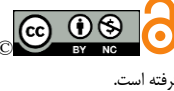


شبهه استناددهی: پاکدل نژاد، مصطفی، علیشیری، بهرام، رضایی، علی اکبر، و فتحی هفشجانی، کیامرث. (۱۴۰۵). اعتبارسنجی الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی در محلات شهر تهران با تأکید بر نقش مشارکت‌های مردمی. آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۴ (۲)، ۱۵-۱.



© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

اعتبارسنجی الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی در محلات شهر تهران با تأکید بر نقش مشارکت‌های مردمی

مصطفی پاکدل نژاد^۱، بهرام علیشیری^{۲*}، علی اکبر رضایی^۳، کیامرث فتحی هفشجانی^۴

۱. گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه مدیریت دولتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. گروه مدیریت فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Bahram.alishiri@iau.ir

چکیده

این پژوهش با هدف اعتبارسنجی الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور مبتنی بر مشارکت‌های مردمی در شهرداری تهران انجام شد تا چارچوبی علمی و بومی برای تقویت همبستگی و پایداری اجتماعی در سطح محلات ارائه دهد. مطالعه حاضر از نوع توصیفی-کمی و کاربردی است. جامعه آماری شامل تمامی شهروندان محلات شهر تهران بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بر پایه مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مرور ادبیات بود. روایی ابزار از طریق بررسی صوری و پایایی آن با پایایی ترکیبی تأیید شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS صورت گرفت. نتایج نشان داد ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط بین آن‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور دارند ($\beta=0.244$ ، $t=2.49$). همچنین مشارکت اجتماعی ($\beta=0.349$ ، $t=3.52$) و استراتژی‌گذاری مدیریت محله ($\beta=0.312$ ، $t=2.89$) به طور معناداری بر برنامه‌ریزی فرهنگی را تقویت می‌کنند. برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور نیز به طور معنادار بر سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله ($\beta=0.240$ ، $t=2.89$) اثرگذار است. در ادامه، بسترسازی اجتماعی-فرهنگی ($\beta=0.293$ ، $t=3.06$) و آگاهی از مشارکت اجتماعی-فرهنگی ($\beta=0.400$ ، $t=4.38$) رابطه مثبت با سنجش عملکرد مدیریت دارند. نهایتاً، سنجش عملکرد مدیریت محله به شکل قوی بر پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی اثر گذاشت ($\beta=0.804$ ، $t=23.76$). شاخص GOF مدل ۰.۶۳۴ بود که برازش مطلوب مدل را تأیید کرد. الگوی پیشنهادی می‌تواند راهنمایی کاربردی برای شهرداری تهران و مدیران محلی باشد تا با تمرکز بر مشارکت مردمی، شفافیت، پاسخگویی و اعتمادسازی، برنامه‌ریزی فرهنگی را در محلات تقویت کنند و به ارتقای همبستگی و پایداری اجتماعی دست یابند.

کلیدواژه‌گان: برنامه‌ریزی فرهنگی؛ مشارکت مردمی؛ سرمایه اجتماعی؛ مدیریت محله؛ پایداری اجتماعی

تاریخ ارسال: ۲ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵



How to cite: Pakdelnejad, M., Alishiri, B., Rezaei, A., & Fathi Hafshejani, K. (2026). Validation of a Cultural Planning Model in Tehran Neighborhoods with Emphasis on Public Participation. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(2), 1-15.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Validation of a Cultural Planning Model in Tehran Neighborhoods with Emphasis on Public Participation

Mostafa Pakdelnejad¹, Bahram Alishiri^{2*}, Aaliakbar Rezaei³, Kiamars Fathi Hafshejani⁴

1. Department of Cultural Management, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Public Administration, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Department of Cultural Management, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Department of Industrial Management, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: Bahram.alishiri@iau.ir

Abstract

This study aimed to validate a neighborhood-based cultural planning model driven by public participation to provide a practical and locally adapted framework for enhancing social cohesion and sustainability in Tehran. A descriptive–quantitative and applied research design was used. The statistical population included all residents of Tehran's neighborhoods. Using Cochran's formula, a sample size of 384 residents was selected through random sampling. Data were collected using a researcher-designed questionnaire based on semi-structured interviews and literature review. The instrument's validity was confirmed by face validity, and reliability was verified through composite reliability. Data analysis was conducted using structural equation modeling with Smart PLS. Results showed that neighborhood management structures and their interrelations had a positive, significant effect on cultural planning ($\beta=0.244$, $t=2.49$). Social participation ($\beta=0.349$, $t=3.52$) and strategic management planning ($\beta=0.312$, $t=2.89$) also significantly strengthened cultural planning. Cultural planning positively influenced performance evaluation of neighborhood management ($\beta=0.240$, $t=2.89$). Additionally, socio-cultural capacity building ($\beta=0.293$, $t=3.06$) and awareness of socio-cultural participation ($\beta=0.400$, $t=4.38$) positively impacted performance evaluation. Finally, performance evaluation strongly affected social cohesion, interaction, and sustainability ($\beta=0.804$, $t=23.76$). The GOF index of 0.634 indicated strong model fit. The validated model offers a practical roadmap for Tehran's municipal managers to strengthen cultural planning at the neighborhood level through public engagement, transparency, accountability, and trust-building, ultimately promoting social cohesion and sustainable community development.

Keywords: Cultural planning; Public participation; Social capital; Neighborhood management; Social sustainability

Submit Date: 23 June 2025

Revise Date: 23 September 2025

Accept Date: 02 October 2025

Initial Publish: 05 October 2025

Final Publish: 23 June 2026

تحولات سریع شهری در دهه‌های اخیر، شهرها را با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه هویت فرهنگی، پایداری اجتماعی و مدیریت مشارکت‌های مردمی روبه‌رو کرده است. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که سیاست‌گذاری و مدیریت شهری بدون توجه به بافت فرهنگی و ظرفیت‌های اجتماعی محلات، نه تنها نمی‌تواند توسعه‌ای پایدار ایجاد کند بلکه منجر به گسست اجتماعی و کاهش حس تعلق شهروندان خواهد شد (Murray, 2010؛ Beierle, 2010). تجربه جهانی نشان داده است که مشارکت مردمی، هنگامی که در سطوح خرد مانند محلات و نواحی شهری نهادینه شود، می‌تواند موتور محرک بازآفرینی فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی باشد (Govender et al., 2011؛ Nadeem, 2011).

در این چارچوب، برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور به‌عنوان رویکردی نوین برای پیوند میان سیاست‌های کلان و نیازهای واقعی مردم در سطح محلات مطرح شده است. این رویکرد می‌کوشد تصمیم‌گیری را از مدل‌های بالا به پایین به سمت فرآیندهای تعاملی و از پایین به بالا تغییر دهد و زمینه‌ای برای مشارکت واقعی شهروندان در شکل‌دهی به آینده فرهنگی و اجتماعی خود فراهم آورد (Gelders et al., 2010؛ Qvortrup, 2018). مفهوم مشارکت مردمی که ریشه در اصول حکمرانی دموکراتیک دارد، در سه دهه گذشته از یک اصل سیاسی فراتر رفته و به‌عنوان حق اجتماعی شهروندان مطرح شده است (Saeidi, 2012؛ Murray et al., 2010). برنامه‌ریزی فرهنگی با هدف شناخت و پاسخ به نیازهای فرهنگی محلی، زمینه‌ساز انسجام اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود (Soleimani, 2022؛ Ramazani, 2021). سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد متقابل، شبکه‌های ارتباطی و هنجارهای مشارکتی است، از عوامل کلیدی موفقیت در اجرای طرح‌های فرهنگی محله‌ای به شمار می‌آید (Fun, 2014؛ Soleimani & colleagues, 2022). از سوی دیگر، غفلت از عناصر فرهنگی و بی‌توجهی به ویژگی‌های اجتماعی محلات می‌تواند مانعی جدی در برابر تحقق توسعه پایدار شهری ایجاد کند (Sharifi, 2016؛ Chan, 2016).

ادبیات برنامه‌ریزی شهری طی سال‌های اخیر بر تغییر پارادایم از تمرکزگرایی به رویکردهای مشارکتی تأکید کرده است. مدل‌های سنتی مبتنی بر مدیریت متمرکز، اغلب به دلیل بی‌توجهی به زمینه‌های محلی و مشارکت واقعی شهروندان، ناکارآمدی نشان داده‌اند (Friedmann, 2005؛ Grant, 2009). در مقابل، برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند اعتماد شهروندان به مدیریت شهری را افزایش داده و زمینه‌ای برای همبستگی اجتماعی پایدار ایجاد کند (Andersson, Brown & Chin, 2013). (2013).

شهر تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر چندفرهنگی و پرجمعیت، با مسائل پیچیده‌ای در زمینه مدیریت فرهنگی و اجتماعی مواجه است. ناهمگونی جمعیتی، مهاجرت‌های گسترده، کم‌رنگ شدن تعلق اجتماعی و ضعف در شکل‌گیری نهادهای فرهنگی محلی از مهم‌ترین چالش‌های تهران در مسیر تحقق توسعه پایدار شهری هستند (Saeidi, 2012؛ Salmanzadeh & Taghi Qasem, 2019). در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ارتقای فرهنگ محله‌محور در تهران انجام شده است، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد این برنامه‌ها اغلب از واگذاری اختیارات واقعی به محلات و استفاده از دانش بومی ساکنان بازمانده‌اند (Rafipour Gavghani, 2009؛ Rafiei et al., 2015).

تجربه‌های بین‌المللی حاکی از آن است که برنامه‌ریزی فرهنگی با رویکرد مشارکتی می‌تواند ابزاری مؤثر برای پاسخ به تغییرات اجتماعی و ایجاد تاب‌آوری شهری باشد. برای مثال، استفاده از راهبردهای فرهنگی مشترک آنلاین و حضوری پس از همه‌گیری کرونا، به افزایش همبستگی و تاب‌آوری در محلات کمک کرده است (Chen & Zhang, 2024). همچنین پروژه‌های طراحی مشارکتی ابزارهای پویا برای تسهیل مشارکت جوانان و گروه‌های کم‌برخوردار، به ارتقای عدالت فرهنگی و اجتماعی منجر شده است (Bromark et al., 2023). فناوری‌های نوین مشارکت و ابزارهای دیجیتال نیز می‌توانند امکان دسترسی و بیان دیدگاه‌های ساکنان را فراهم کرده و فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی را شفاف‌تر سازند (Boureggh, 2023؛ Maciel et al., 2016).

از منظر نظری، پژوهش‌های متعددی چارچوب‌های تحلیل مشارکت و فرهنگ در برنامه‌ریزی شهری ارائه کرده‌اند. فینفگلد (Finfgeld, 2003) در متاسنتز خود نشان می‌دهد که رویکردهای کیفی می‌توانند درک عمیق‌تری از موانع و محرک‌های مشارکت فراهم کنند. همچنین، فالتی و ریوفرانکوس (Falleti & Riofrancos, 2018) بر اهمیت مشارکت درون‌زا و تقویت ظرفیت‌های محلی برای تحقق عدالت اجتماعی تأکید می‌کنند. کوللو اوغلو (Kolluoglu, 2025) در مطالعه‌ای درباره تأثیرات فرهنگی و مذهبی در بافت شهری استانبول، ضرورت لحاظ کردن ابعاد هویتی و ارزشی در برنامه‌ریزی محلات را برجسته ساخته است. یافته‌های یاسر و فاروق (Yasir & Farooq, 2024) در زمینه پیامدهای اجتماعی-فرهنگی گسترش بی‌رویه شهرها نیز هشدار می‌دهد که بی‌توجهی به ساختارهای فرهنگی محلی می‌تواند انسجام اجتماعی را تضعیف کند.

از سوی دیگر، استفاده از میراث فرهنگی و ارزش‌های تاریخی می‌تواند ابزاری برای احیای هویت شهری و پایداری فرهنگی باشد. پژوهش‌هایی مانند آل‌دوساری و همکاران (Aldossary et al., 2025) و ساطریان و غلیزاده (Satarian & Gholizadeh, 2024) نشان داده‌اند که توجه به میراث ملموس و ناملموس می‌تواند به توسعه پایدار شهری و ارتقای احساس تعلق شهروندان منجر شود. رهنمودهای ارائه‌شده در مطالعات جدید مانند رضایی و کریمی (Rezaei & Karimi, 2024) نیز بر نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بازآفرینی شهری و افزایش تاب‌آوری محلات تأکید دارد.

با وجود این، در ایران خلأهای متعددی در زمینه کاربردی‌سازی این الگوها و پیوند میان مشارکت‌های مردمی و برنامه‌ریزی فرهنگی دیده می‌شود. بسیاری از طرح‌های فرهنگی در سطح محلات، از یک‌سو فاقد سازوکارهای نهادی روشن برای پاسخگویی و شفافیت بوده و از سوی دیگر، به دلیل نبود ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی و مشارکت الکترونیکی، نتوانسته‌اند مشارکت گسترده و پایدار ایجاد کنند (Bouregh et al., 2023؛ Maciel, 2016). همچنین، فقدان مدل‌های مفهومی بومی‌سازی‌شده که متناسب با ساختار اجتماعی و فرهنگی تهران باشد، چالشی اساسی به شمار می‌آید (Mousavi & Shataban, 2023؛ Mohammadi Azar, 2023).

تأمل در تحولات اخیر نشان می‌دهد که بدون برنامه‌ریزی فرهنگی منسجم و مشارکتی، تحقق عدالت فضایی و اجتماعی در محلات بزرگ شهری ممکن نیست (Redclift, 2014؛ Sharifi, 2016). مدل‌های موفق باید بتوانند میان سطوح مختلف مدیریت شهری و ساختارهای محلی پیوندی پویا برقرار کنند، اعتماد شهروندان را افزایش دهند و امکان پاسخگویی دوسویه میان مدیران و ساکنان را فراهم آورند (Andersson, 2013؛ Brown, 2013 & Thomsen, 2013). همچنین، توجه به شاخص‌هایی مانند سنجش عملکرد، آگاهی اجتماعی و بسترسازی فرهنگی برای ارتقای مشارکت ضروری است (Soleimani, 2022؛ Ramazani, 2021).

با توجه به پیچیدگی ساختار اجتماعی تهران، مدل‌های مشارکت کامل و استقلال مطلق محلات با محدودیت‌های عملی و نهادی مواجه‌اند. بنابراین، برخی محققان پیشنهاد می‌کنند رویکردی نیمه‌مستقل اتخاذ شود که در آن محلات از آزادی عمل در شناسایی و حل مسائل محلی برخوردار باشند، اما همچنان ارتباط و هماهنگی خود را با سیاست‌های کلان شهری حفظ کنند (Rafiei, Mousavi & Shataban, 2023). این رویکرد می‌تواند انگیزه مشارکت را افزایش داده و در عین حال با ساختار حکمرانی شهری هماهنگ باشد.

افزون بر این، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و ابزارهای مشارکت الکترونیکی می‌تواند زمینه را برای شفافیت، دسترسی آسان‌تر به اطلاعات و بازخوردگیری از شهروندان فراهم کند. تجربه عربستان سعودی در گسترش مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی شهری نشان داده است که شهروندان تمایل بیشتری به مشارکت در موضوعاتی دارند که مستقیماً بر زندگی روزمره‌شان تأثیر می‌گذارد (Bouregh et al., 2023). همچنین، ابزارهای مشارکت تعاملی می‌توانند روند تصمیم‌گیری را کارآمدتر و جامع‌تر کنند (Maciel et al., 2016).

بنابراین، ضرورت طراحی و اعتبارسنجی الگویی بومی که بتواند تمامی این مؤلفه‌ها را در بافت پیچیده تهران تلفیق کند، بیش از پیش احساس می‌شود. این مدل باید هم از نظر نظری بر بنیان‌های سرمایه اجتماعی، فرهنگ محله‌ای و حکمرانی مشارکتی استوار باشد و هم از نظر عملی قابلیت اجرا و پاسخگویی در شرایط نهادی ایران را داشته باشد.

بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف اعتبارسنجی الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور مبتنی بر مشارکت‌های مردمی در شهرداری تهران انجام شد تا راهکاری علمی و عملی برای تقویت انسجام اجتماعی، پاسخگویی مدیریتی و توسعه پایدار محله‌ای ارائه دهد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از نظر روش توصیفی- کمی و بر حسب هدف کاربردی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه شهروندان محلات شهر تهران می‌باشد. جهت برآورد نمونه پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است. ماهیت فرمول کوکران به صورتی است که برای حجم بالای N مقداری بین ۳۸۰ تا نهایتاً ۳۸۴ نفر بدست می‌دهد. در نهایت با توجه به فرمول زیر نیز تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در میان شهروندان محلات تهران توزیع شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته و ادبیات پیشین استوار بود که اعتبار آن با روش صوری و پایایی نیز بر اساس پایایی ترکیبی بررسی و تایید شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش معادلات ساختاری با نرم افزار (PLS)، استفاده شد.

یافته‌ها

ابتدا از شاخص‌های استخراج شده از متون مقالات مرتبط، با حذف شاخص‌های هم‌معنی و پرتکرار و در نهایت با مقوله و دسته‌بندی شاخص‌های نهایی، ۴ مقوله اصلی و ۲۱ مقوله فرعی حاصل گردید. در ادامه، برای اعتبارسنجی مدل از تکنیک حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. در روش حداقل مربعات جزئی مقدار آماره t با روش بازنمونه‌گیری محاسبه می‌شود و در مطالعه حاضر از روش بوت‌استرپینگ برای بازنمونه‌گیری استفاده شده است. نتایج مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری) در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری)

مقوله‌های اصلی	گویه‌ها	بارعاملی	آماره تی
سازماندهی مراکز اجتماعی و فرهنگی محلات شهر تهران	افزایش اعتماد به نهادهای محلی و ارگان‌های دولتی (Q۰۱)	۰/۷۹۹	۲۳/۴۶۱
	ایجاد انسجام و همبستگی در میان ساکنین محله (Q۰۲)	۰/۷۷۶	۲۳/۲۰۵
	افزایش رضایتمندی از سکونت در محله (Q۰۳)	۰/۷۴۴	۱۸/۴۶۱
	ارتقاء امنیت در محله (Q۰۴)	۰/۷۸۵	۲۳/۸۲۹
سنجش و ارزیابی عملکرد مراکز و نهادهای مرتبط فرهنگی در سطح محلات	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی (Q۰۵)	۰/۷۷۱	۲۰/۴۸۱
	بهبود روش‌ها و اقدامات براساس دانش نوین (Q۰۶)	۰/۷۵۴	۱۹/۴۵۳
	دریافت نظرات و بازخورد شهروندان از عملکرد ساختارها و نهادهای مرتبط فرهنگی در سطح محلات (Q۰۷)	۰/۷۶۲	۲۰/۶۷۷
	کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در محله (Q۰۸)	۰/۷۷۹	۲۱/۴۴۹
بسترسازی اجتماعی- فرهنگی	مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (Q۰۹)	۰/۷۸۲	۲۴/۲۳۷
	فرهنگ‌سازی مشارکت اجتماعی (Q۱۰)	۰/۷۶۸	۲۱/۶۳۵
	آگاهی شهروندان از فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی (Q۱۱)	۰/۷۳۵	۱۷/۷۹
	قانون‌مندی و پایبندی به مقررات (Q۱۲)	۰/۷۱۸	۱۶/۶۲۴
پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی	توجه به منافع جمعی و حقوق شهروندان (Q۱۳)	۰/۷۵۲	۲۱/۶۵۷
	گسترش ارتباط نهادها با ساکنین محلی (Q۱۴)	۰/۷۴۹	۱۹/۸۷۴
	گسترش مراکز و فضاهای فرهنگی- اجتماعی همگانی (Q۱۵)	۰/۷۳۹	۱۹/۲۹
	دستیابی به پایداری اجتماعی (Q۱۶)	۰/۷۲۱	۱۷/۰۸
	حفظ میراث فرهنگی و اجتماعی محله (Q۱۷)	۰/۷۴۲	۱۹/۷۲۱
	ایجاد پیوستگی و تعامل اجتماعی (Q۱۸)	۰/۶۹۹	۱۵/۳۵۵
	استقرار عدالت اجتماعی (Q۱۹)	۰/۷۲۹	۱۹/۶۳۹

۲۰/۷۱۵	۰/۷۲۵	افزایش توانمندی محله (Q۲۰)	
۲۶/۲۵۷	۰/۸۱۳	میزان و نوع و ساز و کار کمک مالی شهرداری (Q۲۱)	ساختار و ارکان نهادها و سازمانهای مرتبط فرهنگی در محله و نوع ارتباط بین آنها
۲۲/۸۶۴	۰/۸۰۷	مناسبات اداری سازمانی نهادها و ساختارهای فرهنگی سطح محله (Q۲۲)	
۱۹/۶۲	۰/۷۸۳	نوع مناسبات مالی حاکم بر نهادها و ساختارهای فرهنگی در سطح محله (Q۲۳)	
۱۵/۴۷۳	۰/۷۲۱	تعامل با شهرداری (Q۲۴)	مشارکت اجتماعی
۲۰/۵۹۲	۰/۷۶۱	تعامل با نهادهای محله‌ای (Q۲۵)	
۱۶/۵۳۲	۰/۷۴۷	تعامل با مردم (Q۲۶)	
۲۴/۲۴۵	۰/۷۸۳	تعامل درون مجموعه‌ای (Q۲۷)	
۲۱/۵۹۸	۰/۷۶۵	تعیین چشم‌انداز مورد نظر در مدیریت و برنامه ریزی و ساماندهی برنامه‌ها و مراکز فرهنگی در سطح محله (Q۲۸)	استراتژی‌گذاری مدیریت محله
۲۱/۷۶۳	۰/۷۶۱	شرح مأموریت‌ها و کارکردهای اصلی برای مدیریت و برنامه ریزی در سطح محله (Q۲۹)	
۲۴/۵۲	۰/۷۸۳	تعیین مراجع، شیوه و سازوکار نظارت بر سیستم مدیریت و برنامه ریزی در سطح محله (Q۳۰)	
۲۰/۱۴	۰/۷۵۲	تعیین مراجع و شیوه پاسخگویی سیستم مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی در سطح محله توسط ساختارهای محله‌ای (Q۳۱)	
۱۷/۴۵	۰/۷۰۸	حدود و اختیارات مسئولین و ساختارهای فرهنگی در سطح محله (Q۳۲)	
۱۷/۶۲۲	۰/۷۴۶	انگیزه‌های فردی (Q۳۳)	آگاهی از مشارکت اجتماعی-فرهنگی و فرآیندهای آن
۲۱/۹۰۵	۰/۷۷۵	تعامل میان مسئولین و فعالین فرهنگی سطح محله و شهروندان (Q۳۴)	
۱۹/۲۰۷	۰/۷۶۶	اطلاع‌رسانی از نحوه مشارکت (Q۳۵)	
۲۱/۷۸۶	۰/۷۷۱	تعارضات میان افراد (Q۳۶)	

مقادیر بارهای عاملی مشاهده شده بزرگتر از ۰/۵ بدست آمده است و آماره t نیز بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد. بنابراین مدل بیرونی (اندازه‌گیری) مورد تایید می‌باشد.

برای ارزیابی اعتبار مدل بیرونی (اندازه‌گیری) از سه شاخص استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. اعتبار بیرونی سازه‌های پژوهش

سازه‌های اصلی	AVE	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ
آگاهی از مشارکت اجتماعی-فرهنگی و فرآیندهای آن	۰/۵۸۴	۰/۸۴۹	۰/۷۶۳
استراتژی‌گذاری مدیریت محله	۰/۵۶۹	۰/۸۶۸	۰/۸۱۰
برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۶۰۳	۰/۸۵۸	۰/۷۸۰
بسترسازی اجتماعی-فرهنگی	۰/۵۶۵	۰/۸۶۶	۰/۸۰۷
ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط بین آنها	۰/۶۴۲	۰/۸۴۳	۰/۷۲۱
سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۵۸۷	۰/۸۵۱	۰/۷۶۶
مشارکت اجتماعی	۰/۵۶۸	۰/۸۴۰	۰/۷۴۶
پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی	۰/۵۳۲	۰/۸۸۸	۰/۸۵۳

بر اساس نتایج جدول (۲)، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ است بنابراین روایی همگرا وجود دارد. آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۷ بوده بنابراین پایایی مورد تأیید است. همچنین، مقدار پایایی ترکیبی (CR) نیز بزرگتر از AVE است و در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگتر است بنابراین شرط سوم نیز برقرار است.

در ادامه، روابط میان سازه‌های اصلی پژوهش در بخش ساختاری بررسی شده است. براساس ضریب مسیر مشاهده شده و مقدار آماره t (بوت‌استرپینگ) روابط متغیرها در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج بخش ساختاری مدل (روابط متغیرهای مدل)

رابطه	ضریب تأثیر	آماره t	نتیجه
ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط بین آن‌ها ← برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۲۴۴	۲/۴۹۰	تایید
مشارکت اجتماعی ← برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۳۴۹	۳/۵۲۴	تایید
استراتژی‌گذاری مدیریت محله ← برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۳۱۲	۲/۸۹۹	تایید
برنامه ریزی فرهنگی محله محور ← سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۲۴۰	۲/۸۹۷	تایید
بستر سازی اجتماعی- فرهنگی ← سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۲۹۳	۳/۰۶۱	تایید
آگاهی از مشارکت اجتماعی- فرهنگی و فرآیندهای آن ← سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۴۰۰	۴/۳۸۲	تایید
سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله ← پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی	۰/۸۰۴	۲۳/۷۶۷	تایید

نتایج جدول (۳)، نشان می‌دهد ضریب تأثیر ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط بین آن‌ها بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور مقدار ۰/۲۴۴ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۲/۴۹۰ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط بین آن‌ها بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور تأثیر مثبت و معناداری دارد. ضریب تأثیر مشارکت اجتماعی بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور مقدار ۰/۳۴۹ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۳/۵۲۴ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: مشارکت اجتماعی بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور تأثیر مثبت و معناداری دارد. ضریب تأثیر استراتژی‌گذاری مدیریت محله بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور مقدار ۰/۳۱۲ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۲/۸۹۹ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: استراتژی‌گذاری مدیریت محله بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور تأثیر مثبت و معناداری دارد. ضریب تأثیر برنامه ریزی فرهنگی محله محور بر سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله بر برنامه ریزی فرهنگی محله محور مقدار ۰/۲۴۰ بدست آمده است. همچنین مقدار آماره t نیز ۲/۸۹۷ بدست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد: برنامه ریزی فرهنگی محله محور بر سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله تأثیر مثبت و معناداری دارد.

از شاخص ضریب تعیین^۱ (R^2) و شاخص ارتباط پیش‌بین^۲ (Q^2) برای سنجش قدرت پیش‌بینی مدل استفاده شد. این دو شاخص برای متغیرهای درون‌زا محاسبه می‌شوند. نتایج آن در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. قدرت پیش‌بینی مدل

سازه‌های اصلی	ضریب تعیین	Q ²
برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۶۹۴	۰/۳۹۵
سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۷۳۶	۰/۴۱۳
پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی	۰/۶۴۶	۰/۳۱۴

براساس نتایج جدول (۴)، ضریب تعیین سازه‌های درون‌زای مدل پژوهش مطلوب می‌باشد. مقدار ضریب تعیین پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی ۰/۶۴۶ گزارش شده است که مقدار قابل قبولی است.

اندازه اثر (F^2) نیز میزان تغییراتی است که متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته می‌گذارند. در واقع این شاخص نشان می‌دهد اگر یک متغیر مستقل حذف شود چه میزان تغییراتی در متغیر وابسته ایجاد می‌شود. این شاخص توسط کوهن ارائه گردید. مقدار ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (بزرگ) در نظر گرفته می‌شود (کوهن^۳، ۲۰۱۳). مقادیر اندازه اثر در جدول (۵) آمده است.

1 Coefficient of determination

2 Predictive relevance

3 Cohen

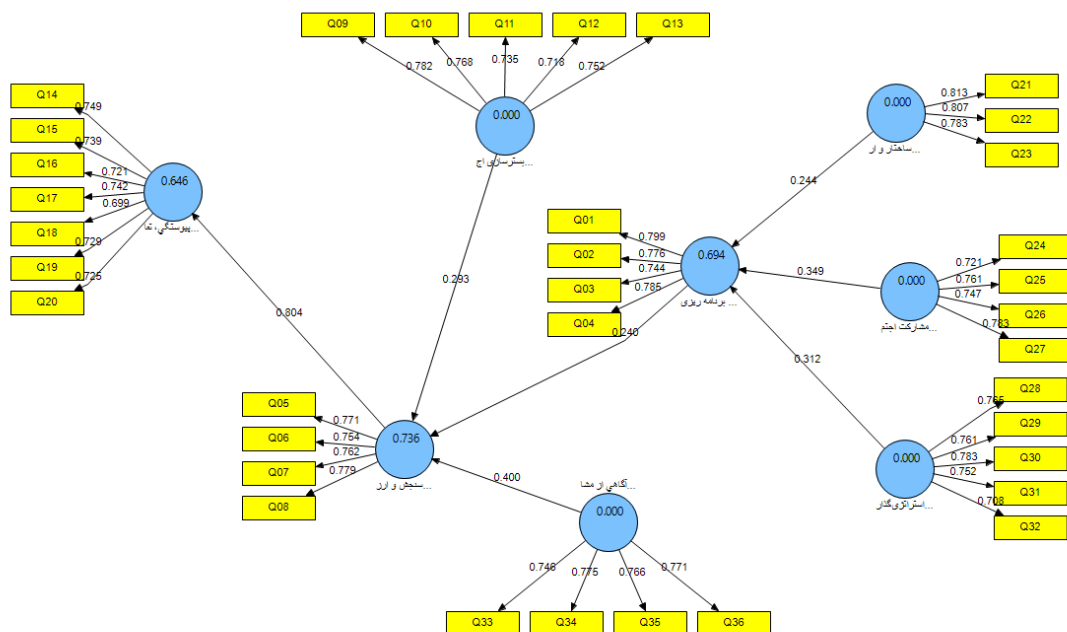
جدول ۵. اندازه اثر سازه‌های پژوهش

رابطه	اندازه اثر
ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط بین آن‌ها ← برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۰۶۳
مشارکت اجتماعی ← برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۱۳۹
استراتژی‌گذاری مدیریت محله ← برنامه ریزی فرهنگی محله محور	۰/۱۰۸
برنامه ریزی فرهنگی محله محور ← سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۰۶۱
بستر سازی اجتماعی- فرهنگی ← سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۰۹۴
آگاهی از مشارکت اجتماعی- فرهنگی و فرآیندهای آن ← سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله	۰/۱۹۰
سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله ← پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی	۰/۸۲۸

نتایج جدول (۵) نشان م دهد که اندازه اثر در هیچ‌یک از موارد کمتر از ۰/۰۲ بدست نیامده است و در تمامی موارد بین متوسط تا قوی برآورد شده است.

شاخص GOF شاخصی است که برای بررسی برازش مدل کلی (بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری) توسط تننهاوس و همکاران^۱ (۲۰۰۴) ابداع گردید. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای Gof معرفی شده است (وتزلس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). البته استفاده از این شاخص در سال‌های اخیر با تردیدهایی همراه بوده است. شاخص GOF برابر ۰/۶۳۴ بدست آمده است بنابراین مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

در شکل‌های (۱ و ۲) نیز برای اعتبارسنجی مدل از تکنیک حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. نتایج حاصل از اجرای مدل در حالت تخمین استاندارد، جهت و شدت رابطه میان متغیرها را نشان می‌دهد. خروجی نرم افزار Smart PLS برای تخمین استاندارد در شکل (۱) و مقدار آماره t و مقدار بوت استرپینگ برای سنجش معناداری روابط نیز در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل ۱. خروجی اعتبارسنجی مدل با روش حداقل مربعات جزئی

1 Tenenhouse

2 Wetzels



شکل ۲. معناداری روابط متغیرها با روش حداقل مربعات جزئی (بوت استرایینگ)

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ساختار و ارکان مدیریت محله و نوع ارتباط میان آن‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور دارند. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه انسجام و هماهنگی میان نهادها و سازمان‌های محلی بیشتر باشد، برنامه‌ریزی فرهنگی نیز از کارآمدی بالاتری برخوردار خواهد شد. این یافته با رویکردهای نظری جدید در برنامه‌ریزی شهری هم‌خوان است که تأکید می‌کنند ساختارهای محلی زمانی می‌توانند موتور محرک توسعه باشند که روابط میان سازمانی شفاف و شبکه‌ای از همکاری‌های متقابل شکل بگیرد (Beierle, 2010؛ Gelders, 2010). پژوهش‌های اخیر نیز نشان داده‌اند که هم‌افزایی نهادی در سطح محلات می‌تواند بستر اعتمادسازی و مشارکت مردمی را گسترش دهد (Govender et al., 2011؛ Andersson, 2013).

همچنین نتایج نشان دادند که مشارکت اجتماعی تأثیر معناداری بر برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور دارد. این موضوع تأییدی است بر ادبیات گسترده‌ای که نقش مشارکت مردمی در افزایش کارایی طرح‌های توسعه فرهنگی را اثبات کرده‌اند. برای نمونه، بویری و همکاران (Bouregh et al., 2023) در مطالعه‌ای درباره مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی شهری عربستان نشان دادند که هنگامی که مردم به طور فعال در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند، کیفیت و پذیرش برنامه‌های توسعه‌ای افزایش می‌یابد. یافته‌های ما همچنین با نتایج مورای و همکاران (Murray et al., 2010) و نادیم و فیشر (Nadeem & Fischer, 2011) همسو است که مشارکت شهروندان را از عوامل کلیدی در کارآمدی تصمیمات عمومی می‌دانند. این هم‌خوانی نشان می‌دهد که شهر تهران نیز با فراهم کردن سازوکارهای واقعی مشارکت می‌تواند بر چالش‌های فرهنگی و اجتماعی خود غلبه کند.

استراتژی‌گذاری مدیریت محله به عنوان بعد دیگری که اثر مثبت و معناداری بر برنامه‌ریزی فرهنگی داشت، بیانگر ضرورت نگاه آینده‌پژوهانه در مدیریت محلی است. پژوهش‌های جدید مانند کار محمدی آذر (Mohammadi Azar, 2023) نشان داده‌اند که برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌پژوهی و ترسیم چشم‌اندازهای روشن، می‌تواند هم‌راستایی بین ذی‌نفعان محلی را افزایش داده و انگیزه مشارکت را تقویت کند. این یافته

با نظریه‌های فالتی و ریوفرانکوس (Falleti & Riofrancos, 2018) نیز قابل تبیین است که بر مشارکت درون‌زا و طراحی ساختارهای تصمیم‌گیری از پایین به بالا تأکید می‌کنند.

از سوی دیگر، نتایج نشان دادند که برنامه‌ریزی فرهنگی محله‌محور تأثیر مستقیمی بر سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله دارد. این امر حاکی از آن است که مدل‌های مشارکتی نه تنها فرآیند برنامه‌ریزی را کارآمدتر می‌سازند بلکه ابزارهای پاسخگویی و شفافیت مدیریتی را نیز تقویت می‌کنند. یافته حاضر با مطالعاتی مانند تحقیق رفیعی و همکاران (Rafiei et al., 2015) و رفیع‌پور گاوانی (Rafipour, 2009) همخوانی دارد که بر ضرورت پیوند میان ارزیابی عملکرد و اعتمادسازی اجتماعی تأکید کرده‌اند. این ارتباط همچنین در پژوهش‌های بین‌المللی مانند مطالعه گرانت (Grant, 2009) و براون و چین (Brown & Chin, 2013) مشاهده می‌شود که نشان دادند در برنامه‌ریزی‌های محلی، شاخص‌های ارزیابی عملکرد از دل مشارکت مردمی معتبرتر و پذیرفته‌شده‌تر می‌شوند.

بسترسازی اجتماعی-فرهنگی و ارتقای آگاهی از مشارکت نیز از نتایج معنادار پژوهش بودند که نشان دادند این دو عامل می‌توانند کیفیت ارزیابی و پاسخگویی در مدیریت محله را افزایش دهند. اهمیت این یافته در ادبیات موجود نیز به وضوح دیده می‌شود؛ برای مثال، پژوهش سولیمانی و همکاران (Soleimani & colleagues, 2022) نشان داده که سرمایه اجتماعی و فرهنگ‌سازی می‌تواند شهروندان را برای مشارکت فعال‌تر آماده کند. همچنین، فینفگلد (Finfgeld, 2003) در تحلیل خود بر ضرورت فراهم کردن فضاهای امن و آگاهانه برای بیان دیدگاه‌های مردمی تأکید کرده است. از این منظر، وقتی مردم نسبت به فرآیند مشارکت آگاه باشند و بسترهای اجتماعی-فرهنگی برای تعامل فراهم شود، سیستم مدیریت محلی از بازخورد غنی‌تر و داده‌های واقعی‌تری بهره‌مند خواهد شد.

تأثیر بسیار قوی سنجش و ارزیابی عملکرد مدیریت محله بر پیوستگی، تعامل و پایداری اجتماعی از برجسته‌ترین نتایج تحقیق بود. ضریب مسیر بالا و معنادار این رابطه نشان می‌دهد که نظارت و پاسخگویی مؤثر، اعتماد اجتماعی را تقویت کرده و باعث انسجام جمعی می‌شود. یافته‌ای که همسو با تحلیل‌های شاریفی (Sharifi, 2016) درباره توسعه پایدار محله‌ای و کارهای ردکلیف (Redclift, 2014) در زمینه مشارکت مردمی در توسعه پایدار است. همچنین تجربه‌های جدید مانند مطالعه چن و ژانگ (Chen & Zhang, 2024) نشان داده‌اند که مکانیزم‌های ارزیابی و مشارکت مستمر می‌توانند تاب‌آوری اجتماعی را در شرایط بحرانی (مانند پسا کرونا) افزایش دهند.

برآورد مناسب شاخص برازش کلی مدل ($GOF=0.634$) نیز بیانگر آن است که الگوی پیشنهادی با داده‌های تجربی سازگاری بالایی دارد و می‌تواند به‌عنوان مدلی معتبر برای برنامه‌ریزی فرهنگی محلات تهران مورد استفاده قرار گیرد. این میزان برازش با استانداردهای مدل‌سازی معادلات ساختاری همخوانی دارد و یافته‌های پژوهش‌های مشابه مانند مدل پیشنهادی موسوی و شتابان (Mousavi & Shataban, 2023) برای ارتقای فرهنگ محله‌محور را تقویت می‌کند.

یکی از پیامدهای نظری این پژوهش تأکید بر لزوم حرکت از مدیریت متمرکز به مدل‌های نیمه‌مستقل است. همان‌طور که مطالعات موسوی (Mousavi & Shataban, 2023) و محمدی آذر (Mohammadi Azar, 2023) نیز اشاره کرده‌اند، استقلال کامل محلات در شرایط پیچیده اجتماعی-سیاسی تهران می‌تواند با خطر نفوذ گروه‌های خاص و تضعیف عدالت فرهنگی همراه باشد، درحالی‌که مدل نیمه‌مستقل ضمن حفظ انسجام کلان، به محلات قدرت و اختیار می‌بخشد. این بینش نظری می‌تواند خلأ موجود در ادبیات برنامه‌ریزی شهری ایران را پر کند که تاکنون بیشتر میان الگوی متمرکز و عدم تمرکز کامل مردود بوده است.

از منظر عملی، این مطالعه نشان می‌دهد که برای تحقق مشارکت پایدار، توجه همزمان به عناصر ساختاری (روابط نهادی و منابع مالی) و عناصر نرم (اعتماد اجتماعی، آگاهی عمومی، بستر فرهنگی) ضروری است. این نگاه دوگانه با یافته‌های بین‌المللی از جمله پژوهش‌های کوللو اوغلو (Kolluoglu, 2025) و آلدوساری (Aldossary et al., 2025) همخوان است که تأکید می‌کنند تلفیق میراث فرهنگی و ساختارهای مشارکتی می‌تواند شهرها را در برابر تحولات سریع اجتماعی مقاوم‌تر کند.

در نهایت، باید به اهمیت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تقویت مشارکت اشاره کرد. تجربه مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی شهری که در مطالعات بوگره و همکاران (Bouregh et al., 2023) و ماکیل و همکاران (Maciel et al., 2016) آمده، نشان می‌دهد که ابزارهای دیجیتال می‌توانند سد دسترسی شهروندان به فرآیند تصمیم‌گیری را کاهش دهند. برای تهران که دارای ساختار جمعیتی پیچیده و پراکندگی فرهنگی است، این ابزارها می‌توانند نقش مهمی در تحقق عدالت ارتباطی و افزایش کارایی برنامه‌های فرهنگی داشته باشند.

هرچند این پژوهش با طراحی دقیق و استفاده از روش معادلات ساختاری انجام شد، اما دارای محدودیت‌هایی است. نخست، داده‌ها صرفاً از شهروندان تهرانی گردآوری شده‌اند و ممکن است در سایر شهرهای ایران با ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت قابل تعمیم کامل نباشد. دوم، ابزار گردآوری داده‌ها بر مبنای پرسشنامه طراحی شد و امکان تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان وجود دارد. سوم، مطالعه حاضر از روش مقطعی استفاده کرده و بنابراین قادر به بررسی تغییرات و پایداری اثرات مدل در طول زمان نیست. چهارم، هرچند تلاش شد شاخص‌های فرهنگی به‌طور جامع انتخاب شود، اما برخی ابعاد کیفی فرهنگ مانند ارزش‌های غیررسمی و هویت‌های فرعی ممکن است به‌طور کامل در مدل لحاظ نشده باشند.

برای ارتقای دقت و کاربردپذیری مدل، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی از رویکردهای طولی و ترکیبی (کمی و کیفی) استفاده کنند تا پویایی و تغییرات مشارکت فرهنگی در طول زمان آشکار شود. همچنین انجام مطالعات مقایسه‌ای بین کلان‌شهرهای مختلف می‌تواند به بومی‌سازی مدل برای بافت‌های گوناگون یاری رساند. بررسی نقش فناوری‌های نوین و ابزارهای مشارکت دیجیتال در تقویت تعامل شهروندان و مدیریت محلی نیز مسیر تحقیقاتی ارزشمندی است. از سوی دیگر، پژوهش‌های آینده می‌توانند اثر سیاست‌های ملی و چارچوب‌های قانونی را بر میزان موفقیت مدل‌های محلی تحلیل کنند و پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین مرتبط با مشارکت شهروندی ارائه دهند.

مدیران شهری و تصمیم‌گیران شهرداری تهران می‌توانند با تقویت ساختارهای محلی و ایجاد سازوکارهای شفاف پاسخگویی، اعتماد عمومی را ارتقا دهند. راه‌اندازی سامانه‌های تعاملی دیجیتال و پلتفرم‌های آنلاین برای اطلاع‌رسانی، جمع‌آوری نظرات و بازخورد شهروندان پیشنهاد می‌شود. همچنین، سرمایه‌گذاری بر برنامه‌های فرهنگ‌سازی و آموزش شهروندی برای افزایش آگاهی از حقوق و فرصت‌های مشارکت ضروری است. از منظر مالی، بازنگری در شیوه‌های تخصیص منابع و ایجاد سازوکارهای حمایت مالی محلی می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری محلات را افزایش دهد. در نهایت، همکاری مستمر میان نهادهای محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مدیران شهری برای تضمین پایداری اجتماعی و فرهنگی توصیه می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسندگان مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

۱۲

Urban areas worldwide are experiencing profound socio-cultural transformations that require innovative planning approaches capable of addressing both cultural sustainability and social cohesion. Traditional top-down urban planning models often fail to consider the rich and diverse cultural fabrics that exist at the neighborhood level, leading to disengagement, weak identity, and low trust among residents (Beierle, 2010; Murray et al., 2010). Public participation has consequently emerged as a cornerstone of contemporary governance, shifting from being merely a political principle to an essential social right that empowers citizens to influence decisions affecting their everyday lives (Govender et al., 2011; Saeidi, 2012).

Neighborhood-based cultural planning has been proposed as a response to these challenges, offering a localized framework that integrates community identity, shared values, and participatory governance (Andersson & Thomsen, 2013; Brown & Chin, 2013). By embedding decision-making within the immediate socio-cultural context of neighborhoods, this approach supports resilience, cultural continuity, and inclusive development (Falleti & Riofrancos, 2018; Knieling & Othengrafen, 2015). Moreover, research underscores the role of social capital — trust, participatory norms, and community networks — as a critical enabler of successful cultural initiatives (Fun et al., 2014; Soleimani & colleagues, 2022).

However, many cities in the Global South still face significant structural and institutional barriers to implementing participatory cultural planning. In Tehran, a megacity with heterogeneous population dynamics, informal social networks, and administrative complexity, neighborhood initiatives often remain symbolic and lack mechanisms for meaningful power-sharing (Rafiei et al., 2015; Rafipour Gavghani, 2009). Studies have revealed that although local cultural programming exists, it is frequently hindered by centralized decision-making, limited financial autonomy, and weak accountability frameworks (Ramazani, 2021; Salmanzadeh & Taghi Qasem, 2019).

Globally, new participatory strategies have proven transformative in similar contexts. Digital participation tools and hybrid online–offline cultural programs have been shown to strengthen local solidarity and adaptive capacity in the aftermath of crises such as the COVID-19 pandemic (Chen & Zhang, 2024; Maciel et al., 2016). Participatory design projects that involve youth and marginalized groups have improved cultural equity and accessibility (Bromark et al., 2023). In addition, integrating cultural heritage as a driver of sustainable regeneration has enhanced belonging and community resilience in cities like Tarout Island and Bushehr (Aldossary et al., 2025; Rezaei & Karimi, 2024).

This research builds on such global insights while responding to local gaps. By validating a neighborhood-based cultural planning model for Tehran that explicitly integrates public participation, social capital, and cultural contextualization, the study aims to offer a robust, evidence-based framework to guide municipal policy and practice.

Methods and Materials

This study employed a descriptive–quantitative and applied research design. The target population included all residents of Tehran's neighborhoods. The sample size was determined using Cochran's formula, resulting in 384 participants selected through simple random sampling. Data were collected using a researcher-designed

questionnaire developed from semi-structured interviews and a systematic review of relevant literature. Instrument validity was established through expert review and face validity procedures, and reliability was verified using composite reliability and Cronbach's alpha. Data analysis was conducted using structural equation modeling (SEM) with the Smart PLS software package to test measurement and structural models and evaluate path coefficients, predictive power, and overall model fit.

Findings

Analysis of the measurement model confirmed satisfactory convergent and composite reliability, with average variance extracted (AVE) values above 0.50 and composite reliability (CR) exceeding recommended thresholds. Cronbach's alpha values also surpassed 0.70 across all constructs, indicating strong internal consistency.

Structural model testing yielded several significant path relationships. The structure and governance of neighborhood-level management bodies positively influenced neighborhood cultural planning ($\beta = 0.244$, $t = 2.49$). Social participation was a strong predictor of cultural planning ($\beta = 0.349$, $t = 3.52$), and strategic management vision-setting similarly exerted a significant positive effect ($\beta = 0.312$, $t = 2.89$).

Neighborhood cultural planning itself significantly enhanced performance evaluation and accountability mechanisms within local management ($\beta = 0.240$, $t = 2.89$). Socio-cultural capacity building also predicted better evaluation outcomes ($\beta = 0.293$, $t = 3.06$), while awareness of social and cultural participation emerged as the strongest contributor ($\beta = 0.400$, $t = 4.38$).

The most powerful relationship in the model was between performance evaluation and broader social outcomes: evaluation significantly improved social cohesion, interaction, and sustainability ($\beta = 0.804$, $t = 23.76$). Predictive relevance indicators (Q^2) confirmed strong explanatory power for the endogenous constructs, and the global model fit index (GOF) reached 0.634, indicating a robust and well-fitted model.

Discussion and Conclusion

The validated model reinforces the argument that decentralized yet interconnected governance structures can drive effective cultural planning. The significant role of neighborhood management structures highlights the need for coherent institutional linkages and horizontal collaboration between local bodies and municipal authorities. These findings echo global evidence that well-networked governance frameworks support trust-building and participatory legitimacy (Beierle, 2010; Govender et al., 2011).

The strong influence of social participation aligns with long-standing scholarship emphasizing that community voice is essential to the cultural relevance and sustainability of local plans (Murray et al., 2010; Nadeem & Fischer, 2011). Where citizens are active co-creators rather than passive recipients, planning processes become more adaptive and accepted. International cases using digital and hybrid participation — such as those highlighted by (Chen & Zhang, 2024) and (Maciel et al., 2016) — illustrate how participation can be scaled and diversified, a lesson highly relevant to Tehran's complex demographic landscape.

Strategic visioning by local management also proved vital, showing that future-oriented, scenario-based approaches can energize stakeholders and align diverse interests (Falleti & Riofrancos, 2018; Mohammadi Azar, 2023). For Tehran, embedding foresight into cultural programming could counteract the fragmentation caused by rapid urban growth and migration (Yasir & Farooq, 2024).

Equally important is the finding that participatory cultural planning strengthens accountability and evaluation systems. When planning emerges from inclusive processes, the resulting performance assessment mechanisms tend to be more transparent, meaningful, and trusted (Grant, 2009; Rafiei et al., 2015). This transparency is crucial for building long-term social cohesion, as reflected in the model's powerful link between evaluation and social sustainability outcomes.

The emphasis on socio-cultural capacity building and awareness resonates with research on social capital and community empowerment (Fun et al., 2014; Soleimani & colleagues, 2022). Cultural literacy and clear

communication about participatory opportunities empower residents to take ownership of neighborhood development. Additionally, fostering awareness reduces barriers of exclusion and helps bring marginalized voices into decision-making — a priority stressed in participatory design studies (Bromark et al., 2023). Finally, the model's high GOF value confirms its empirical robustness and practical applicability. It bridges a gap in Iranian urban governance by offering a middle ground between highly centralized and fully autonomous local management. This “semi-autonomous” approach, previously advocated in Iranian scholarship (Mousavi & Shataban, 2023; Ramazani, 2021), appears well-suited to Tehran's socio-political environment, balancing community empowerment with the coordination needed for equitable resource allocation and policy coherence. In conclusion, this study provides both theoretical and applied contributions. Theoretically, it integrates cultural planning, social capital, and participatory governance into a coherent model tailored to a megacity with deep cultural diversity and complex institutional structures. Practically, it offers Tehran's municipal managers a tested roadmap for cultivating trust, cultural vitality, and social resilience at the neighborhood level. By investing in participatory infrastructures — both human and digital — and reinforcing accountability channels, city leaders can foster inclusive cultural development and sustainable urban cohesion.

References

- Aldossary, M. J., Alqahtany, A. M., & Alshammari, M. S. (2025). Cultural Heritage as a Catalyst for Sustainable Urban Regeneration: The Case of Tarout Island, Saudi Arabia. *Sustainability*, 17(10), 4431. <https://doi.org/10.3390/su17104431>
- Andersson, L., & Thomsen, B. S. (2013). Performative experiments and cultural re-planning-recapturing the spectacle of the city. *NA*, 20(1). https://vbn.aau.dk/files/16287042/Lasse_Andersson_Bo_Stjerne_Thomsen_20.pdf
- Beierle, T. C. (2010). *Democracy in practice: Public participation in environmental decisions*. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781936331017/democracy-practice-thomas-beierle>
- Boureggh, A. S., Maniruzzaman, K. M., Abubakar, I. R., Alshihri, F. S., Alrawaf, T. I., Ahmed, S. M., & Boureggah, M. S. (2023). Investigating the prospect of e-participation in urban planning in Saudi Arabia. *Cities*, 134, 104186. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.104186>
- Bromark, K., Knutsson, O., & Weitz, Y. S. (2023). Co-designing a dynamic tool to enhance participation for احقر people: A participatory design project with young service users and social workers. *Children and Youth Services Review*, 106856. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2023.106856>
- Brown, G., & Chin, S. Y. W. (2013). Assessing the effectiveness of public participation in neighbourhood planning. *Planning Practice and Research*, 28(5), 563-588. <https://doi.org/10.1080/02697459.2013.820037>
- Chan, P. Y. (2016). *Community Participation in Heritage Management: A Case in Macao* [Columbia University]. <https://academiccommons.columbia.edu/doi/10.7916/D8Z31ZQ4>
- Chen, L., & Zhang, W. (2024). Participatory cultural strategies for resilient urban neighborhoods in post-pandemic contexts. *Cities*, 145, 104735. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104735>
- Falleti, T. G., & Riofrancos, T. N. (2018). Endogenous participation: Strengthening prior consultation in extractive economies. *World Politics*, 70(1), 86-121. <https://doi.org/10.1017/S004388711700020X>
- Finfgeld, D. L. (2003). Metasynthesis: The State of the Art-so far. *Qualitative Health Research*, 13(7), 893-904. <https://doi.org/10.1177/1049732303253462>
- Friedmann, J. (2005). Globalization and the emerging culture of planning. *Progress in Planning*, 64(3), 183-234. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2005.05.001>
- Fun, F. S., Chiun, L. M., Songan, P., & Nair, V. (2014). The impact of local communities' involvement and relationship quality on sustainable rural tourism in rural area, Sarawak. The moderating impact of self-efficacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 144, 60-65. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.07.274>
- Gelders, D., Brans, M., Maesschalck, J., & Colsoul, N. (2010). Systematic evaluation of public participation projects: Analytical framework and application based on two Belgian neighborhood watch projects. *Government Information Quarterly*, 27(2), 134-140. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2009.10.003>
- Govender, J., Reddy, P. S., & Pillay, P. (2011). Dimensions of participation and implementation in South African local government. *Administratio Publica*, 19(3), 183-208. <https://journals.co.za/doi/abs/10.10520/ejc-adminpub-v19-n3-a12>
- Grant, J. L. (2009). Experiential planning: A practitioner's account of Vancouver's success. *Journal of the American Planning Association*, 75(3), 358-370. <https://doi.org/10.1080/01944360902965875>

- Knieling, J., & Othengrafen, F. (2015). Planning culture-A concept to explain the evolution of planning policies and processes in Europe? *European Planning Studies*, 23(11), 2133-2147. <https://doi.org/10.1080/09654313.2015.1018404>
- Kolluoglu, P. (2025). Istanbul's urban affects: Cosmopolitanism, secularism and 'Islamopolis'. *Journal of Urban Cultural Studies*, 11(2), 261-282. https://doi.org/10.1386/jucs_00091_1
- Maciel, C., Cappelli, C., Slaviero, C., & Garcia, A. C. B. (2016). Technologies for popular participation: a research agenda. Proceedings of the 17th International Digital Government Research Conference on Digital Government Research, <https://dl.acm.org/doi/abs/10.1145/2912160.2912191>
- Mohammadi Azar, S. (2023). Investigating the role of cultural planning in urban development based on foresight studies in Iran. Proceedings of the Third International Conference on Architecture, Civil Engineering, Urban Planning, Environmental Studies, and Islamic Art Horizons, Tabriz. <https://civilica.com/doc/1960897/>
- Mousavi, S. M., & Shataban, S. (2023). A qualitative model for enhancing community-based culture in the metropolis of Tehran. Proceedings of the Second National Conference and the First International Conference on the Future Day, Future City, Tehran. <https://ensani.ir/fa/article/468011>
- Murray, J., Tshabangu, B., & Erlank, N. (2010). Enhancing participatory governance and fostering active citizenship: an overview of local and international best practices. *Politikon*, 37(1), 45-66. <https://doi.org/10.1080/02589346.2010.492149>
- Nadeem, O., & Fischer, T. B. (2011). An evaluation framework for effective public participation in EIA in Pakistan. *Environmental Impact Assessment Review*, 31(1), 36-47. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2010.01.003>
- Rafiei, F., Mohammadi, A., Heydari Sarban, V., & Tosalian, R. (2015). Measuring the level of participation in community-based planning: A case study of the Hosseiniyeh neighborhood in Zanjan. Proceedings of the First National Conference on Earth Sciences and Urban Development, <https://civilica.com/doc/408656/>
- Rafipour Gavghani, S. (2009). *Examination and explanation of the components influencing neighborhood-based planning: A case study of the Firooz Salar neighborhood in the city of Gogan* [Tarbiat Modares University]. <https://elmnet.ir/article/10453895-11899>
- Ramazani, M. (2021). A strategic model for institutionalizing the promotion of virtue within the cultural-social fabric; based on grounded theory. *Police Order and Security Journal*, 53. <https://www.sid.ir/paper/954208/>
- Redclift, M. (2014). *Sustainable development and popular participation: A framework for analysis* Grassroots Environmental Action. <https://doi.org/10.4324/9781315832166-11>
- Rezaei, H., & Karimi, F. (2024). Cultural heritage and urban development in Bushehr. *Journal of Cultural Geography*, 28(4), 211-225.
- Saeidi, M. (2012). *An introduction to public participation and non-governmental organizations in Iran*. Samt Publications. <https://samta.samt.ac.ir/product/9055>
- Salmanzadeh, S., & Taghi Qasem, S. (2019). Legal and regulatory assessment of neighborhood performance improvements in Rah Rey. *Geography and Human Relations*, 1-23. https://www.gahr.ir/article_85476.html
- Satarian, F., & Gholizadeh, R. (2024). The Role of Culture and Ethics in the Performance of Commercial Centers. The First Scientific-Research Congress on New Horizons in Civil Engineering, Architecture, Culture, and Urban Management in Iran, Tehran.
- Sharifi, A. (2016). From Garden City to Eco-urbanism: The quest for sustainable neighborhood development. *Sustainable Cities and Society*, 20, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2015.09.002>
- Soleimani, M., & colleagues. (2022). Analyzing the role of social capital in strengthening community-based cultural planning. *Journal of Urban and Rural Management*, 2(14). https://www.armanshahrjournal.com/article_185164_69ed24f6368070c0cdd0716e32169529.pdf
- Yasir, M., & Farooq, A. (2024). Socio-Cultural Consequences of Urban Sprawl: A Case Study of Dera Ismail Khan (Pakistan). *J. Asian Dev. Studies*, 13(1), 62-75. <https://doi.org/10.62345/jads.2024.13.1.5>